

آشنایی اجمالی با

واژه‌نامه

ضمیمه ی شماره ی ۱۴۵ کتاب معرفی حکمت سرا

تدوین: خانم م. مدنی فر

www.hekmatjoo.ir

ویرایش زمس تان ۱۳۹۴

فهرست

۲	تعریف
۳	ضرورت
۴	واژگان و اصطلاحات
۱۷	منابع



۱- تعریف

واژه نامه‌ها منابعی هستند که به ارائه اطلاعاتی در باب واژه‌ها، عبارات و اصطلاحات زبان در موضوع، حرفه یا پیشه‌ای خاص می‌پردازند.

و بر مبنای نظامی معین، معمولاً الفبایی، مرتب می‌شود و معانی، تلفظ، هجی، تعداد بخشهای کلمه، کاربرد و کلمات را ارائه می‌کنند.

در واقع هر واژه نامه یک لغت نامه تخصصی است.

۲- ضرورت

در متون مختلف تشخیص کلمه یک قسمت اساسی از جریان خواندن است. خواننده باید کلمه را به تمامی بشناسد و به تفاوت آن از کلمات مشابه کاملاً توجه نماید. گاه یک کلمه‌ی ساده به دلیل استعمال غلط در عرف مردم معنای واقعی خود را از دست می‌دهد در حکمت‌سرا به عنوان یک پژوهشگر به اصل وریشه‌ی مفاهیم مختلف قبل از استفاده از آن‌ها توجه خاص صورت می‌پذیرد بنابراین هرچند در واژه‌نامه‌ی پیش‌رو در نگاه اول واژگان پیچیده و تخصصی سنگین دیده نمی‌شود اما با نگاهی عمیق‌تر لزوم پرداختن به معانی این واژگان درک خواهد شد اول به سبب نوع خاص استعمال آنها در فرهنگ حکمت‌سرا و دوم به جهت جایگزین نمودن لغاتی نو به جای کلمات متداول در تعلیم و تربیت که قبلاً بار معنایی مشخصی یافته‌اند و ظرفیت مناسب برای انتقال مفهوم مورد نظر را از دست داده‌اند.

در این واژه‌نامه علاوه بر معنای مورد قبول در حکمت‌سرا، در اکثر موارد معانی ریشه‌ای کلمه اخذ شده از لغت‌نامه‌ی فرهنگ فارسی عمید (داخل کروشه) نیز آورده شده است. امید که با استفاده از این واژه‌نامه آشنایی با فرهنگ حکمت‌سرا و استفاده از متون دیگر حکمت‌سرا برای همگان با سهولت و درک بهتری صورت پذیرد.

۳- واژگان

۱- ابعاد وجودی: [ابعاد: جمع بعد، درازا، پهنا و ژرفا] وجوه مختلف شاکله ی انسان که در هفت موضوع عاطفی، اجتماعی، جسمی، عزم و اراده، مهارتی تحصیلی، عقلی و اعتقادی، قابل بررسی است.

۲- اختیار: [برگزیدن - گزین کردن - پسندیدن - در کاریا امری آزادی و تسلط داشتن - در اصطلاح حالت یا صنعتی است در انسان که به واسطه آن اعمال نیک و پسندیده را برافعال زشت و ناپسند یا برخی از کارها را بر کارهای دیگر رجحان می دهد] در این مفهوم گزینش از بین دو گرایش متضاد مد نظر است، اما اختیار در مقابل اکراه و در مقابل اضطرار نیز به کار می رود و معنای عامی نیز دارد که در مقابل جبر محض قرار میگیرد و آن عبارت است از این که فاعل ذی شعوری کاری را بر اساس خواست خودش و بدون اینکه مقهور فاعل دیگری واقع شود انجام بدهد. در حکمتسرا دومین رکن یعنی انتخاب براساس این عطای الهی به انسان تبیین گشته است.

۳- ارزیابان: [ارزیابنده، کسی که ارزش چیزی را معین کند - مقوم] همکارانی که در یک مقطع زمانی خاص مسئولیت صرفا ارزیابی یک یا چند قسمت از اسناد محتوایی، طرح ها و یا برنامه های حکمتسرا را به عهده می گیرند و درستی مبنا، کاربردی بودن و اثربخشی آن موضوع را بررسی و تأیید می نمایند.

۴- ارکان: [پایه ها، ستون ها، جمع رکن] آنچه حکمتسرا با استخراج از اصول دینی با توجه به فطرت انسانی به عنوان پایه های حکمت جوئی (تعلیم و تربیت) بر آن پایه گذاری شده است.

۵- استقلال: [آزادی داشتن ، بدون مداخله ی کسی کار خود را اداره کردن] رسیدن به حدی از رشد که فرد بتواند مدیریت خویشتن و تعامل با غیر را به شکل مطلوب انجام داده و به بیان دیگر بداند بخواهد و بتواند *

۶- اشتغال: [مشغول شدن به کاری، پرداختن به کاری، سرگرم به کاری شدن] توانمندی فردی در همه ی ابعاد در جهت کسب درآمد حلال و انجام عمل صالح در بستر کار و مهارت یا تولید علم و یا انتقال داشته ها.

۷- آمادگی برای ازدواج: رسیدن فرد به وضعیت مطلوبی در ابعاد هفتگانه ی وجودی تا بتواند پذیرای مسئولیت زندگی مشترک باشد.

۸- انتخاب: [برگزیدن - بیرون کشیدن و برگزیدن ، چیزی را از میان چیزهای دیگر ، برگزیدن کسی از میان جمعی برای کاری] امکان بهره مندی از بهترین موقعیت ها و فرصت های هر انسان که با انگیزه ی فطری از بین دیگر موقعیت ها و فرصت های موجود ممتاز می گردد.

۹- انگیزه: [سبب ، باعث ، علت، آنچه که کسی را به کاری بر می انگیزد] انگیزه را می توانعامل نیرو دهنده ، هدایت کننده و نگهدارنده یک رفتارنامید ویا محرک درونی هر فرد برای رفتار دارای نتیجه و هدف خاص. در حکمتسرا انگیزه به عنوان اولین رکن حکمتجویی مطرح و مورد توجه خاص در تمامی فعالیت می باشد.

۱۰- بلوغ: [رسیدن، به حد رشد رسیدن و جوان شدن کودک] مرز تشخیص انگیزه های فطری از غیر آن در جهت انتخاب مستقل ، در هر فرد برای ابعاد مختلف وجودی در عرصه های گوناگون زندگی.

۱۱- پاتوق: [پاتوغ: پای علم، جایی که چیزی نصب کنند و گروهی دور آن جمع شوند، جایی که ساعت های معینی عده ای در آن گرد آیند]. مکان ثابتی که حکمتجویان در صورت نیاز یا فراخوان به آن مراجعه نمایند.

۱۲- پرنورترین پنجره: پرننگ ترین نیاز فطری فرد که می تواند محرک او در جهت حرکت و رشد گردد و روزنه ای برای دستگیری بازوگیر در جهت تقویت انگیزه ی وی باشد.

۱۳- پیگیر: [پی گیرنده، دنبال کننده، دنبال گیرنده، تعقیب کننده] همکارانی که بیش از یک نوبت در هفته با حضور در مکان های مرتبط با حکمتسرا، در مسئولیت های خویش ایفای نقش می نمایند. و در زمینه ای خاص دغدغه ی دنبال نمودن موضوع مورد نظر خود را تا سرحد توان و ارائه ی نتیجه دارا هستند.

۱۴- تبیین: [بیان کردن، آشکار ساختن، توضیح و تفسیر] ارائه ی اجمالی مطلب در جهت دریافت کلی از آن برای مخاطب و فراهم آوردن شرایط مناسب در جهت انتخاب آن مطلب برای دریافت تفضیلی.

۱۵- تدوین: [اشعار یا مطلبی را در یک دفتر جمع کردن فراهم آوردن و تألیف کردن چیزی، در دیوان ثبت نمودن] ثبت هر یک از مبانی، اصول و یا شیوه های حکمتجویی به طوری که قابلیت به روز رسانی را در هر زمان داشته باشد.

۱۶- تدوینگر: [جمع آوری کننده و نویسنده ی مطلبی] فردی که زیر نظر مسئول ساحات شورای راهبردی حکمتسرا فعالیت و کتب، مقالات، ساحات یا هر مطلب مرتبط با حکمتسرا را جمع آوری و تألیف می کند.

۱۷- تصدیقگر: [تصدیق: راست و درست دانستن، براستی و درستی امری گواهی دادن، باور کردن] مرجعی که ایده، گفتار یا رفتاری در حکمتسرا را تأیید و به راستی و درستی آن گواهی می دهد تا طرح ادعایی به مرحله بهره برداری برسد.

۱۸- حکمت: [عدل، علم، دانش، کلام موافق حق، راستی و درستی امر] (حکمت از ریشه ی حکم به معنای منع برای اصلاح و قضاوت و منع از فساد) حکمت یک حالت و خصیصه ی درک و تشخیص است که شخص به وسیله ی آن می تواند حق و واقعیت را درک کند و کار را متقن و محکم انجام دهد (قاموس قران) حکمت رسیدن به حق به واسطه ی علم و عقل است (راغب) شناسایی و حرکت به سوی حقایق و باید ها و نباید هایی که خداوند حکیم تعیین فرموده است.

۱۹- حکمتجو: (حکمت جوینده، به دنبال حکمت) فردی که در حکمتسرا طرح و برنامه ی پیشنهادی در جهت تعلیم و تربیت خویش را پذیرفته است و دنبال می کند. واژه ی جایگزین دانش آموز و دانشجو با بار معنایی اعم از تعلیم و تزکیه.

۲۰- حکمت خواه: فردی که طرح و برنامه ی پیشنهادی حکمتسرا در جهت تعلیم و تربیت را رصد و دنبال می کند ولی هنوز تصمیم قاطع بر انتخاب آن نگرفته است.

۲۱- حکمت دوست: فردی که برای شناخت بیشتر حکمتسرا و روش حکمتجویی در حال تعامل با آن است.

۲۲- حکمتسرا: (خانه ی حکمت) مجموعه ای که افراد برای حکمتجویی خود با آن مرتبط گشته و این مجموعه را بستر عمل خویش قرار داده اند. این مجموعه در واقع پژوهشکده ای

می باشد که تمامی دغدغه مندان در حوزه تعلیم و تربیت می توانند در ارتباط با آن خدمت رسانی یا خدمت گیری نمایند.

۲۳- حکمت نما: از ترکیب دو واژه حکمتسرا و نمایه به دست آمده و منظور هر گونه تابلو و نماد اطلاع رسانی و معرفی واحدهای مختلف حکمتسرا است.

۲۴- حکمت یار: ترکیب واژه حکمتجو با یاری گر فردی که حکمتجویان را در مکان حکمتسرا و خارج از آن در جهت پیمودن مسیرهای معرفی شده از جانب حکمتسرا یاری رسانی و راهنمایی می کند.

۲۵- حکیم: [صاحب حکمت، دانا، دانشمند، فیلسوف، استوارکار، کسی که کارهایش از روی دانایی و بینایی باشد]، حکمت کردار محکم کار، کسی که کار را محکم و استوار انجام می دهد (قاموس قران) شخصی که کار را بر اساس عقل و علم و در مسیر حق انجام می دهد، کسی که اعمالش با قوانین هستی هماهنگ باشد.

۲۶- حکیمه: [مؤنث حکیم]

۲۷- خود ارزیابی (برای عمل خود، ارزشی را معین نمودن، مسئول ارزشگذاری بر اعمال خویش بودن) یکی از اصول مسلم و مهم رشدیابی در فرهنگ حکمتسرایبی به این معنا که فرد خود را در ابعاد گوناگون وجودی مستمراً مراقبه می کند.

۲۸- درس آموز: (مخفف درس آموزنده) افراد یا وسایل کمک آموزشی که متون را عرضه می کنند. در واقع این ابزار به صلاح دید مدیر ساحت در جهت ارائه و تبیین و عرضه ی ساحت مورد استفاده قرار میگیرند.

۲۹- دروس پیرو: [پیرو: از پی رونده، تابع، آنکه از پی دیگری می رود] دروسی که حکمتجو به شخص دیگری برای مطالعه و فراگیری آن نیاز دارد آن را به کمک یک راهنما و معلم فراگیرد.

۳۰- دروس پیشرو: [پیشرو: پیش رونده، پیشوا، راهنما، کسی که جلو برود و دیگران در عقب او حرکت کنند] دروسی که حکمتجو بنا به استعداد و توانمندی خود می تواند به تنهایی مطالعه کرده و فرا گیرد.

۳۱- دروس همرو: (همرو: با هم رونده با هم راه رفتن) این دسته شامل دروسی می شود که حکمتجو به تنهایی و یا به صورت مباحثه ای با دیگر حکمت جوین مطالعه می کند ولی جهت رفع اشکال و فراگیری کامل نیاز به شخص مسلط در این درس دارد.

۳۲- دوره حکمتجویی: [دوره: گردش، گردش گرد چیزی، یک دور گردیدن، یک بار گردیدن، عهد زمان] حکمتجویی در واقع میتواند تا پایان عمر فرد ادامه یابد اما به طور رسمی به بازه ی زمانی پیش بینی شده در هشت سال که حکمت جو ابتدا به صورت عمومی با تمامی ساحات آشنا شده و سپس، به شکل اختصاصی در ساحات مورد نیاز و علاقه خود را به وضع مطلوب می رسد اطلاق میگردد.

۳۳- رابط ساحت: [رابط: ربط دهنده، پیوند دهنده، واسطه بین دو چیز یا دو تن] فردی که ترجیحاً از میان حکمتجویان عهده دار برقراری رابطه ی دیگر حکمتجویان با مدیر ساحت در زمینه ی انتقال نظرات، هماهنگی و کمک به دریافت بهتر ساحت است.

۳۴- رشد یابی: [رشد به راه راست شدن، از گمراهی براه آمدن، پایداری و ایستادگی در راه راست، نمو ترقی و بالندگی] (جایگزین ارزشیابی) روندی متشکل از خودارزیابی و دیگر

ارزیابی در جهت یافتن جایگاه فرد در مسیر از وضعیت موجود به وضعیت مطلوب برای همه ی ابعاد.

۳۵- رصدگر: [رصد: به چیزی نظر دوختن و مراقب آن بودن، درجایی نشستن و چیزی را زیر نظر قرار دادن، مراقب شدن] به همکارانی گفته می شود که به طور موقت یا دائمی مسئولیتشان در حکمتسرا تداوم نیافته است و به حکمتسرا اجازه داده اند که هر از چند گاه گزارش اجمالی از برنامهها و فعالیت های حکمتسرا در اختیارشان قرار گیرد. ضمن اینکه حداقل استفاده ی حکمتسرا از این عزیزان بهره مندی از دعای خیر آنهاست.

۳۶- زبان فطرت: [فطرت: سرشت طبیعت، نهاد، صفت طبیعی انسان] مهر تایید درونی هر فرد بر اعمالش و اصیل ترین ابزار ارتباطی در بین اولیاء تعلیم و تربیت با مخاطب که کمترین خطا را داراست.

۳۷- ساحت: [ناحیه، فضای خانه، حیاط، زمینی که سقف ندارد، میدان] واژه ای عربی به معنای میدان وسیع و گسترده می باشد و منظور از آن در حکمتسرا یک اطلس و نمایه ای کلی از هر موضوع علمی، معرفتی، مهارتی و هنری است که برای مخاطب در آستانه ی بلوغ قابل فهم و درک باشد و در قالب دانش های سی و دوگانه تعریف شده در حکمتسرا که در طول دوره ی حکمتجویی، حکمتجویان به دریافت آن به صورت اجمالی و سپس تفصیلی می پردازند.

۳۸- ساحت گردی: بستری جهت آشنایی هر یک از حکمتجویان با ابتدایی ترین موضوعات مرتبط با کلیات ساحت بطوری که معنی و مفهوم ساحت، اسامی ساحت، اهداف و ضرورت های جایگزین بودن ساحت به جای کتب درسی را دریابند.

۳۹- سطح تعامل: [سطح: روی چیزی، بالای هر چیز که پهن و هموار باشد] میزان ارتباط گیری هر مخاطب با بخش یا موضوع مرتبط با وی.

۴۰- سعی: [کار کردن، کوشیدن، کوشش کردن، قصد کردن] (جایگزین تکلیف) شیوه های چهارده گانه ی تعریف شده برای حکمتجویان که به وسیله ی آن از جانب خودشان و یا مدیر ساحت مکلف به انجامش می گردند تا استفاده بهینه از ساحت عرضه شده را تجربه نمایند.

۴۱- شبکه ی یا حکیم: [شبکه: چند مؤسسه یا دستگاه وابسته بهم را گویند که در یک رشته کار کنند] ارتباط پیامکی گروهی که به شکل هرمی از رأس به قاعده اعضای فعال یا رصد کننده ی حکمتسرای لقمان و دیگر اعضای مرتبط با حکمتسرا را در کوتاهترین زمان مقتضی اطلاع رسانی می نماید.

۴۲- شبکه ی یازهرا: ارتباط پیامکی گروهی برای اطلاع رسانی در جمع شورای حکمتجویان دختر حکمتسرای کوثر.

۴۳- شبکه ی یا لطیف: ارتباط پیامکی گروهی برای اطلاع رسانی در جمع شورای همکاران خانم حکمتسرای کوثر.

۴۴- شکوفه های حکمت: (جوانه های حکمت) گروهی از دختران ۱۰ تا ۱۲ سال که دوره ی آمادگی برای حکمت جویی را طی می نمایند.

۴۵- شورای حکمتجویان: گروهی متشکل از منتخبان حکمتجویان در جهت رابط قرار گرفتن بین شورای اجرایی و حکمتجویان است و به منزله ی شاخه های اصلی مشورتی، اجرایی و بازوی کمکی حکمتیار محسوب می شوند و از طرفی نظرات زیر شاخه ها در زمینه ی مدیریت نظم، مراسمات و غیره را بهم ستولین انتقال می دهند.

۴۶- شورای راهبردی: عالی ترین جایگاه مدیریتی کلان مجموعه های سه گانه ی حکمتسرا (لقمان، سلمان، کوثر) می باشد که وظیفه ی تعیین خط مشی و برنامه ریزی، هماهنگی و نظارت بر حسن اجرای سیاست های کلی این سه مجموعه را بر عهده دارد.

۴۷- طبیب دوار: [پزشک کسی که علم طب بداند و معالجه ی امراض کند- کسی که در کار خود ماهر و حاذق باشد- بسیار گردش کننده - گردنده - هرچیزی که گرد خود یا گرد چیز دیگر بچرخد و دور بزند]. کلام مولا علی (علیه السلام) در مورد پیامبر عظیم الشان اسلام می باشد که ایشان را طبیب دوار بطبه معرفی نموده اند که نشان از رسالت ایشان در دنبال نمودن نیازمندان به معالجه ی روح و جان آنان برای درمان بیماری جهل و اخلاق نکوهیده می باشد. این رسالت را می توان وظیفه ی تمامی متولیان امر تعلیم و تربیت دانست که در حکمتسرا به ویژه از بازوگیران در جهت دستگیری حکمتجویان مرتبط با ایشان انتظار می رود.

۴۸- عرضه: [عرض، پیشنهاد، نمایش، ارائه] ارائه ی کلیات یک علم برای انتخاب مسیر و ورود به جزئیات.

۴۹- علم لاینفع: [علم: دانستن، یقین کردن - یقین، معرفت، دانش] [علمی که انسان را به سوی عمل صالح رهنمون نمی نماید و خیری بر آن در جهت اعتلای فرد مترتب نمی باشد و مایه ی نجات او نمی گردد. از بارزترین مصداق های آن علمی است که بجای ابزار بودن هدف گردیده باشد.

۵۰- عمل صالح: [عمل: ساختن، کار کردن، کار، کردار] [صالح: نیک، نیکوکار، شایسته، درخور، ضد فاسد] عمل هر فعل و کاری که با قصد انجام شود و صالح: به معنی اصلاح گر که فساد و زمینه آن را می زداید (مفردات راغب) در جمع فعالیت های ارادی شخص که آن

عمل موجب شایسته نمودن شخص عامل می شود و در اصطلاح : مجموعه قصدها ، نيات و اقدامات ارادی فرد که با هدف رشد و پیشرفت فاعل آن انجام می شود.

یکی از سه رکن مهم حکمتجویی که می توان میزان موفقیت فرد در این عرصه را متوقف بر آن دانست.

۵۱- غرفه : [بالاخانه، اطاقی که بالای اطاق دیگر ساخته شود] مکانی که فعالیت های مختلف تعریف شده برای انتخاب و استفاده ی حکمتجو در آن ارائه می گردد.

۵۲- مدیر حکمتسرا : [مدیر: اداره کننده، گرداننده، کسی که کاری را اداره می کند] بالاترین سطح مسئولیت اجرایی حکمتسرا.

۵۳- مدیر دروس : فردی که به حکمتجویان کمک می کند تا دوران گذر و تغییر باور نسبت به سیستم آموزش و پرورش و مهاجرت کامل به حکمتسرا را طی نماید.

۵۴- مدیر ساحت : فردی که زیر نظر مدیر حکمتسرا در هر ساحت حکمتجو را برای آشنایی اجمالی و سپس تفضیلی با حوزه ها و عناوین مختلف آن ساحت یاری می رساند.

۵۵- مدیر مکان : فردی که در مکان حکمتسرا به سازماندهی امور روزانه ی حکمتجویان ، آنان را در جهت استفاده ی بهینه از امکانات یاری می رساند.

۵۶- مدیریت خویشتن : (اراده کردن خود بدون دخالت دیگران) *

۵۷- مسافر : دانش آموزی که همزمان با آموزش در سیستم آموزش و پرورش به هدف رصد حکمتسرا در جهت تصمیم گیری برای مهاجرت با این مجموعه در تعامل است.

۵۸- معلم جامع (بازوگیر): شخصی که به عنوان پشتیبان و راهنما برای افراد دوره ی سنی بلوغ تا حداقل ازدواج و اشتغال ایفای نقش می کند و برای حرکت دائمی از وضع موجود به وضع مطلوب در همه ی ابعاد شخصیتی یاری کننده ی ایشان است.

۵۹- مکان مکمل: جاهایی که در کنار مکان اصلی حکمتسرا خارج از آن در جهت اهداف تعیین شده مورد استفاده قرار می گیرد و شامل تمامی محیط های اجتماعی مناسب مرتبط با نیاز همکاران و یا حکمتجویان خواهد بود.

۶۰- مهاجر: [هجرت کننده] دانش آموزی که سیستم آموزش و پرورش رسمی را رها نموده و به شیوه ی حکمتسرای مشغول تعلیم و تربیت گشته است.

۶۱- نمایه: (مخفف نماینده: نشان دهنده - علامت و نشانه) مرادف ویتترین مغازه، بیان کننده ی کلیات یک موضوع به صورت خلاصه.

۶۲-نمایه ساحات: متنی برای معرفی اجمالی شامل تعریف، اهداف، انتظارات، حوزه های کلی و دیگر موارد در هر یک از ساحات.

۶۳- نمونک: [نمونه: مقدار کمی از چیزی که به کسی نشان داده می شود] عملی نمودن طرح های تعلیم تربیتی پیشنهادی حکمتسرا در زمینه های مختلف به صورت یک ماکت کوچک.

۶۴- نیمسال: (یک قسمت از دو قسمت سال) شش ماه اول یا دوم از یک سال قمری که در حکمتسرا به عنوان کوتاه ترین دوره (جایگزین ترم) برای فعالیت های حکمتجو از جمله استفاده نمودن از یک ساحت پیش بینی شده .

۶۵- ویژه سازی : [ویژه : خالص، خاص، خاصه، برگزیده] طرح و برنامه ای را برای گروه خاصی بررسی و بر شرایط آن گروه تطبیق دادن. تنظیم نمودن یک سیستم براساس خصوصیات یک عده ی معین. تلاشی در پژوهشکده ی حکمتسرا برای توجه به تفاوت‌های موجود در شیوه های تعلیم و تربیت دختران و پسران و استخراج و استفاده از این شیوه ها در جهت هماهنگی با انسان شناسی اسلامی و در نتیجه قرار گرفتن هر دو گروه در جایگاه مناسب خویش در عالم هستی

۶۶- وضع مطلوب : [مطلوب : خواسته شده. چیز یا شخص خواسته شده] [وضع : هیئت ، شکل، طرز، نهاد] توانایی های هر فرد که به شکل بالقوه در اوست و باید به ظهور و بروز برسد و در مسیر حکمتجویی مورد شناسایی قرار گرفته و در جهت بروزش تلاش می شود .

۶۷- وضع موجود : [موجود: بوجود آمده، هست شده] [وضع : هیئت ، شکل ، طرز، نهاد] دارائیهای یک فرد در حال حاضر یا آنچه در زمینه ای خاص در فرد بالفعل است و هدف تعلیم و تربیت سمت و سو دادن و به حرکت در آوردن آن ها به سوی وضعیت مطلوب می باشد.

۶۸- همکار : [هم پیشه، هم شغل ، دو تن که یک پیشه و حرفه را داشته باشند] کسی که مسئولیت یک یا چند قسمت از امور جاری در حکمتسرا را به عهده گرفته و نه تنها وظایف خود را در قالب ساختار دنبال می کند بلکه اصلاح ساختار یا بهبودبخشی به چهار چوب های موجود را در دستور کار خود قرار داده است از این رو هر همکار در جایگاه یک مدیر پژوهشگر ایفای نقش میکند. گروهی که دغدغه مشترک خود در زمینه ی تعلیم و تربیت را دنبال می کنند و در این جهت به هر شکل انجام وظیفه می نمایند و به این سبب با حکمتسرا مرتبط شده اند.

۶۹- هم هجرتی: [هجرت: دوری گزیدن از وطن، کوچ کردن از وطن خود و بجای دیگر رفتن] گروهی که عزم کرده اند همگی سیستم آموزشی معمول و رسمی را ترک نموده ، به حکمتسرا پیوندند.

۷۰- هیئت امنا: [هیئت : عده و دسته ای از مردم -امنا جمع امین] گروهی از همکاران در رأس شورای اجرایی که دیده بانی و مصوب نمودن قوانین کلی حکمتسرای کوثر یا لقمان را به عهده ندارد

اصطلاحات :

۷۱- اولین نفر ناظر به کاستی ها مسئول ترین است .

۷۲- حکمتجویی تعطیلی ندارد .

۷۳- حکمتسرا اخراج ندارد

۷۴- کاری که حکمتجو می تواند انجام دهد را نباید انجام داد

۴- منابع

۱- فرهنگ فارسی عمید، حسن عمید، موسسه ی انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۸۶

۲- قاموس قران، سید علی اکبر قرشی، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۶

۳- سایر متون تدوین شده حکمتسرا ومصاحبه با همکاران